

خپلواکی - آزادی

نشریه مرکزی سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی

شماره پنجاه و دوم صفحه اول خپلواکی - آزادی عقرب ۱۳۸۶ ش نوامبر ۲۰۰۷

سرمقاله

پاکستان د امریکې د امپریالیسم د نظر په محراق کی

د پاکستان هیواد په ۱۹۴۸ کی چه برتانوی استعمار د هند د نیمې وچې د خلکو د مبارزې او مقاومت په اثر شړلو ته مجبوره سو، موجود راغی. پاکستان هیواد د پنځه ایالاتو یعنی شرقی بنگال، سیند، بلوچستان، پښتونستان او پنجاب مجموعه ده چه د شرقی بنگال خلک لاپه ۱۹۷۱ کال کی د پاکستان څخه جلا او خان ته ئی د بنگله دیش په نامه وطن جوړ کړ. د پاکستان هیواد د ډیورنډ دها خوا مخکی چه پښتونستان او بلوچستان دی او برتانوی استعمار د افغانستان د بدنی څخه جلا کړی وه، په خان پوری وتړل چه تر اوسه پوری د افغانستان او پاکستان تر منځ د دعوی یوه اصلی موضوع بلل کیږی، او د افغانستان تیر زمامداران چه د خلکو او خاوری پروا نه ساتله، دی موضوع ته د سلطنت د بقاء او خپلو طبقاتی گټو د خوندي کیدو په خاطر، د یو بی اهمیته سیاسی معامله په سترگه کتل. د پاکستان خلک همیشه د دولت له خوا چه کرول سوی تر فشار لاندی مسائل سوی او د فقر او نا داری سره مخامخ دی. د پنجابی شوینستی حاکمی طبقی د برتری غوښتنو سیاست او عملونه نور ملیتونه، که بلوچ دی که پښتانه، سندی او مهاجر قومونه لا هم تر فشار لاندی راوستلی دی. د پاکستان دولت همیشه د خپلو گټو د تأمین او خوندي ساتلو په غرض د امپریالیستی هیوادونه په تیره بیا د امریکې په فرمان او امر سره کار کوی او د دولت دغه ملی ضد او د ...

ص: ۱۲

مصاحبه با یکی از مسئولین «سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی»

پیرامون

اوضاع جاری افغانستان و منطقه

و تحركات سياسي اخير روشنفکری

س: شش سال از اشغال افغانستان و تدویر کنفرانس بن می گذرد، اوضاع افغانستان را چطور ارزیابی می نمایند؟
ج: برای روشن شدن دقیق مسئله، لازم است سیر رویداد های شش سال گذشته را مورد ارزیابی قرار دهم. پلنفرم مطروحه در کنفرانس بن راهنمای کاری در همه ساحات برای اشغالگران شمرده میشود وطنی شش سال مطابق آن پیش رفتند. در قدم اول آنها نیاز به ساختن یک دولت و ارگانهای مربوطه آن را حس میکردند که در این راستا کار زیادی را انجام هم دادند. امریکا سرپرستی این کنفرانس را بعهده داشت و نیروهای را که به این کنفرانس دعوت کرده بود هر خواستی را که به منافعش جور آمد با تطمیع، تفتین و وعده های سر خرمن بالای شان قبولاند و آنها که در فکر منافع شخصی و تنظیمی خود بودند و با منافع کشور و مردم افغانستان بیگانه هستند، راه را برای اشغال و مستعمره ساختن افغانستان صاف ساختند. شاملان کنفرانس بن که... ص: ۲

• • • •

اعلامیه مشترک

جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان

نشست وزیران خارجه ایکو را تقبیح کنیم

و مقاومت ملی - مردمی و انقلابی را تشدید نماییم

در صورتیکه به تاریخ جهان به چشم باز و بصارت لازم نظر اندازیم به خوبی به نیرنگها و ترفندهای استعمارگران امپریالیست در قبال کشور های مستعمره و تحت سلطه پی خواهیم برد. نیرنگهایی که با تفاوت های اندک و بسیار جزئی در کشورهای مختلف تحت سلطه متناسب به اوضاع و احوال اجتماعی آنها مانند عراق و افغانستان درحال تطبیق است. نشست وزیران خارجه ایکو برای... ص: ۱۱

همچنین در این شماره :

- m مرد افغانستان و دلسوز یامپریالیستها ... ص: 6
- x هفت اگتیر ص: 7
- x اشغال و وابستگی، قتل عام رابدنباں دارد ص: 8
- x به سیاست های غیر انسانی وفا شیبستی ص: 9
- x جمهوری اسلامی ایران ... ص: 9
- x افغانی مهاجرین د ایران اسلامی جمهوری د انسان ضد او جنایت کارانه سیاستو قربانی دی ص: 10

محوطه بیرونی زندان پلچرخي



زندان پلچرخي در زمان ظاهر و داؤد شاه، ساخته شد. در دوره «خلقى» ها افتتاح گردید و تا امروز کشتارگاه، شکنجه گاه و اسارتگاه، آزادگان بوده و هست.

در این روز ها خبر تجاوز جنسی به زنان در این زندان، موضوع داغ رسته های گردیده، علاوه بر سرو صدا های که رژیم مزدور کابل براه انداخته، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران «ایرنا» نیز این خبر را پخش نموده است. رژیم قرون وسطانی آخندی ایران که از بدو تاسیس، هزاران زن و مرد انقلابی ایران را به جرم آزادی خواهی زندانی، شکنجه و حلق آویز نموده و شکنجه گرانس به صد ها زن انقلابی تجاوز جنسی نموده و آنها را بدار آویختند؛ ولی نتوانستند صدای .. ص: ۱۲

از صفحه: اول

مصاحبه با یکی از مسئولین «سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی»

پیرامون اوضاع جاری افغانستان و منطقه

و تحرکات سیاسی اخیر روشنفکری

بصورت رسمی صاحب مقام و پرستز شدند شدید تر از پیش به قاچاق مواد مخدر، رشوه ستانی و اختلاس روی آوردند. و خود را بیشتر به مشغولیت های قومی و پارتی بازی مصروف ساخته و روی همین معیار ها وزارت خانه ها و ولایات را بین خود تقسیم کردند و به منافع و خواست جدی و فوری اکثریت جامعه که در انتظار آرامش و خوشی ها لحظه شماری میکردند، وقعی نگذاشتند. با آنکه دولت کرزی مبنی بر اینکه به اساس رای ۵۴ فیصد مردم انتخاب شده است، ادعای قانونی بودن را می کند؛ ولی از آنجائیکه دولت اش طبق خواست منافع امپریالیست ها و مرتجعین به رهبری امریکا و طبقات ستمگر و زالو صفت جامعه بوجود آمده و برای اکثریت مردم زحمتکش افغانستان کاری انجام نمی دهد، دولتی است مزدور و جدا از منافع مردم.

مردم افغانستان بطور جدی از دولت امنیت و آرامش و کار و سر پناه و بهبود شرایط زندگی را طلب مینمودند و این دولت بود که به بهانه های مختلف مثلا موجودیت قوماندان سالاری، قاچاقبران مواد مخدر، ائتلاف این نیرو ها به نفع دولت و قانون شکنی های شان، و ۲۵ سال جنگ و نبودن دولت، مردم را فریب داده و برای خود وقت کمائی نموده تا آنها را آرام نماید و از امروز به فردا آنها را امیدوار سازد. مردم به سخنان و عذر و بهانه های پوچ دولت مداران قانع نبودند و میدیدند که دولت کرزی خود مجموعه این نیرو های ضد مردمی است که برای سرکوب و چاپیدن مردم زحمتکش از هر وسیله و نیرنگ کار میگیرد. انتظارات بجا و معقول مردم افغانستان و بر ضد آن موقف ضد مردمی و فریبکارانه دولت و سیاست های قهری اشغالگران برهبری امریکا است که وضع را تا این حد خراب ساخته است. این دولت مزدور برهبری امریکا است که در شش سال گذشته فقر، ناداری و مصیبت پی مصیبت را به نمایش گذاشت و مردم را به شورش و طغیان وا داشت. دولت حالا نمی تواند مثل سابق عذر و بهانه بیاورد و گردن خود را از ملامتی خلاص کند، طبعاً پاکستان یا ایران، القاعده و طالبان را مسبب نا آرامی ها و فقر و نا داری معرفی می نماید. اگر دلیل موجودیت طالبان و القاعده و مداخله ایران و پاکستان است، پس چرا ثروتمندان ثروتمند تر میشوند و میلیونها هموطن ما قادر نیستند روزانه

یک دالر را در بدل عرق ریزی و فروش نیروی کار خود بدست آورند؟

بطور خلص گفته میتوانم که جنگ و نا آرامی ریشه در اشغال و موجودیت یک دولت غیر مردمی دارد. وقتی در افغانستان قوای اشغالگر نباشد و دولت به مردم تعلق داشته باشد، از بدبختی هایی که امروز دامنگیر مردم افغانستان است نشانی نمیتوان یافت.

امروز اوضاع افغانستان در همه ساحات چه سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی به ضرر مردم است.

س: بعضی ها بر این باور اند که اگر نیروهای ائتلاف برهبری امریکا نباشند، افغانستان به خانه جنگی های سابق کشانده می شود و ایران و پاکستان کشور ما را به اثر رقابت های ذات الیبنی خود به سویه ولایت چه که به سویه کوچه و قریه تقسیم میکنند و اختلافات قومی و مذهبی سر از نو مردم ما را تشنه خون یکدیگر، می سازد. در این باره چه نظر دارید؟

ج: اگر به ظاهر مسئله نگریسته شود ممکن است یک آدم عامی بر این باور باشد و آنرا بپذیرد و برای امریکائی ها دعای خیر هم بکند؛ ولی این یک مسئله عمیقاً سیاسی است. اگر به تاریخ افغانستان نظر انداخته شود این گونه معضلات و خطرات همیشه وجود داشته و مصیبت های ناشی از خانه جنگی های خونین تری را مردم افغانستان آنهم نه چندان دور؛ بلکه در دوران برادران صدوزائی و محمدزائی ها، متحمل شده اند. انگلیس ها در زمان موجودیت شان در نیم قاره هند و سیاست های استعماری و اشغالگرانه که در منطقه به این خانه جنگی ها زمینه و امکانات مساعد را، فراهم میساخت؛ یعنی یک کشمکش، مجادله و مبارزه دوامدار بین حق و باطل در جریان بوده و سر انجام مردم افغانستان با موجودیت سران و رهبران ملی دلسوز توانسته اند بر آن مشکلات غلبه نمایند. به حق که همچو دپروز، امروز هم جامعه عقیم و نازا نبوده و نیست و مردم و قدرت خلاقه و لایزال شان همانظوری که به شاهدهی تاریخ توانسته بر همچو بلیات و نا ملایامت چیره گردد، مردم میتوانند هر روزه - بکمک منابع متنوع خبری بین المللی - از یکطرف امپریالیسم و سیاست های غارتگرانه و فریبکارانه آترابه چشم سر مشاهده کنند و به ارزیابی بگیرند و از طرف

دیگر نیرو های انقلابی و ضد امپریالیستی با تلاش خستگی ناپذیر میتوانند به عوض آن سران دلسوز و وطن دوست سابق پیشاپیش توده های ناراض و مخالف سیاست های امپریالیستی قرار بگیرند و حیل و فریبکاری شانرا رسوا سازند و این کار باید یک لحظه هم فراموش نگردد.

اگر قوای ائتلاف برهبری امریکا (اشغالگران) مانع شوند که افغانستان باز شاهد خانه جنگی ها شود، چرا مسبب این خانه جنگی ها را در کنار خود جای داده آنها را تقویت و پشتیبانی میکنند؟ در حالیکه مردم افغانستان خواهان به محاکمه کشاندن آن جنایتکاران می باشند و امریکا به بهانه های مختلف به این کار تن نمی دهد. پس به این نتیجه میرسیم که خانه جنگی ها در افغانستان و منطقه و در کشور های مختلف محصول سیاست امپریالیست ها بوده و است. باید بر این باور باشیم و در این راستا کار شود و زحمت کشیده شود که به نیرو خود اتکاء نمائیم و ریشه این خانه جنگی ها را ارزیابی نموده و آن را بکشاکشیم نه این که ثنا خوان اشغالگران باشیم و آنها هر وقت دلشان بخواهد و سیاست شان ایجاب نماید جنایتکاران را با هم کله به کله کنند و از هر طرف از کشته ها پشته بسازند. پس بهتر خواهد بود که ضد کسانیکه آگاهانه و از راه غرض و یا هم نا آگاهانه به تبلیغ این موضوع می پردازند، بر خورد سیاسی آگاهانه صورت بگیرد و به آنها تفهیم گردد که این امپریالیست ها و مرتجعین اند که مردم ما را به نام های گوناگون برای تأمین منافع خود به طرف جنگ و نا بودی میکشانند. امپریالیست ها برهبری امریکا وزارت مالیه و بخش اداری وزارت داخله را به افغان ملیتی ها سپرده اند که این خود بدبینی سایر احزاب را بر می انگیزد. اگر از جنگهای تنظیمی اثری نیست، بمبارانهای وحشیانه در چندین منطقه افغانستان به شدت ادامه دارد و روزانه تعداد بیشتری از مردم را به کام مرگ و نیستی، فقر و فلاکت می فرستد. اگر از بی ناموسی های احزاب اسلامی و شورای نظار در کابل و طالبان در مناطق شمالی که قلب ملیونها هموطن ما را می شکستند و در عزاب بودیم و دختران و زنان با عذت را بی آبرو می ساختند به خود کشی مجبور شان می کردند، مگر قوای اشغالگر در همه ولایات فساد خانه بر پا نکرده اند؟ صد ها وهزار ها دوشیزه افغان و اطفال خورد سال مورد تجاوز جنسی قرار نمی گیرند و در بدل پول فروخته نمی

شوند؟ در کدام ساحه وضع خوبتر گردیده است که بگوئیم کم از کم قوای ائتلاف برهبری امریکا این کار را به نفع ما کرده و قابل قدر و تأیید می باشند. اگر به این دلخوش باشیم که مکاتب باز شده و میلیونها دختر و پسر روانه مکتب شده اند و هزارها محصل به پوهنتون ها می روند، درست است؛ ولی کجا است آن کیفیت و محتوی معارف و تحصیلات عالی؟ بیشتر از ۶۰ فیصد مکاتب تعمیر ندارد، از میز و چوکی و مواد درسی خبری نیست و مهمتر از آن معلمان برای ماهانه پنجاه دالر کار می کنند و معاش شان به ماهها پرداخت نمی شود و بالاخره این چه نوع معارف و تحصیلات عالی است که بعد از شش سال در باره بهبود وضع اقتصادی معلمان و استادان اثری دیده نمی شود در حالیکه قیمت ها سه چند و چهار چند شده است. پس موجودیت قوای ائتلاف برهبری امریکا مردم افغانستان را بدون اراده و استقلال ساخته و کشور جایگاه قوای بیگانه و جاسوسان حرفوی بین المللی گردیده که زیر نام Security Guard در حدود سی هزار نفر در افغانستان کار میکنند و در هر نوع جنایت، آدمکشی، آدم ربائی، سرقت و قاچاق مواد مخدر و فعالیت های خرابکارانه از جاسوسی گرفته تا شکنجه و زندانی کردن افراد دست باز دارند. این است نتایج موجودیت قوای ائتلاف برهبری امریکا که به اصطلاح ما را از شر ایران و پاکستان نجات داده است!!! پس از ظاهر مسئله اگر به عمق آن توجه شود در هر ساحه وضع بدتر شده و جامعه در حالت غلیان و فروپاشی است.

س: در مورد پیشنهاد صلح کرزی به طالبان و حکمتیاری چه نظر دارید؟

ج: پیش از اینکه به این مطلب بپردازم باید بگویم که نیروهای طالبان یکدست و متجانس نیستند. آنهایی که به اساس فکر اسلامی و جهاد بر ضد قوای اشغالگر می جنگند و می خواهند از زیر تأثیر ISI و پاکستان مبرا باشند به این کوشش هستند که با امکاناتی که در دست دارند به جهاد خود ادامه دهند؛ ولی در این اواخر همین حلقه معین طالبان برهبری ملا داد الله و ملا عثمانی و همراهان اش ضربه های کاری را متحمل شدند و ملا داد الله در حوالی ولایت هلمند کشته شد و این امر باعث گردید که امریکا به کمک ISI بقیه حلقات طالبان را برای یک آتش بس و رفتن به پای میز مذاکره بکشاند و دولت پاکستان برای بدست آوردن امتیازاتی از امریکا، چشم براه می باشد. با آنکه جنرال مشرف در یک ائتلاف با حزب مردم پاکستان برهبری خانم بوتو برای اداره مملکت در ماه جنوری سال آینده به مبارزات انتخاباتی خواهد پرداخت. فرستادن خانم بوتو هدیه است از طرف امریکا به نیروهای ناراض طرفدار خانم بوتو در پاکستان، کوبیدن و قلع و قمع نمودن قبایل پشتون و بلوچ زیر نام طالبان و القاعده از طرف امریکا و یا با سلاح امریکائی در قدم دوم، قرار دارد که دولت پاکستان از بدو تأسیس آن

در سال ۱۹۴۸، به این آرزوی خود نرسیده است.

گلب الدین حکمتیار مهره دیگر پاکستان است که از سابق بحیث بازیچه در دست ISI شکل و رنگ می گیرد. از صحنه دور میشود و باز داخل صحنه میگردد.

امریکا، انگلستان، سازمان ملل متحد و نیروهای داخل دولت کرزی هر یک به دلایل مختلف در مورد مذاکره با طالبان مؤقف یکسانی ندارند و نسبت ها و القایی را که امریکا به ملا عمر رهبر طالبان و تعیین ۲۵ میلیون دالر جایزه برای سر وی و ضرورت امروزی اش برای صلح با طالبان به معماهایی می ماند که جواب آنرا صرف در سیاست های پشت پرده امریکا میتوان یافت.

به نظر من امریکا قدم به قدم و مرحله به مرحله به آن جایی رسیده است که بیک فیصله قاطع در باره جنگ با ایران برسد. امریکا تلاش هائی را به خرج داد تا سوریه را تهدید و یا تطمیع نماید تا به عراق و لبنان دست درازی نکند، ولی نتیجه ای عاید اش نشد و سوریه بدون قید و شرط خواستار واپس دادن بلندی های گولان از اسرائیل می باشد؛ ولی اسرائیل و امریکا معطل اند که در ماه نوامبر با فلسطینی ها چه خواهند کرد و چه نتایجی از این کنفرانس بیار خواهد آمد.

امریکا از ناحیه عراق، لبنان و فلسطین که از جانب ایران تقویت می شود، سخت نا آرام است و نا آرامی های امریکا در افغانستان آنوقت بیشتر می شود که با ایران شاخ به شاخ شود. احزاب و نیروهای طرفدار ایران در افغانستان که هنوز فتوای جهاد بر ضد امریکا را از مراجع تقلید نگرفته اند، امریکا هنوز نفس راحت می کشد؛ ولی وقتی مراجع تقلید در ایران به اهل تشیع و هزاره های طرفدار خود در افغانستان فتوای جهاد بر ضد امریکا را صادر کنند، آنوقت است که نیروی نظامی امریکا در افغانستان با تهدید جدی مواجه می شود. نیروهای شمال، «خلق» و پرچم و ستمی هابه دلایل مختلف بر ضد نیروهای امریکائی داخل این معرکه خواهند شد. اگر طالبان مثل امروز بر ضد نیروهای اشغالگر مزاحمت ایجاد نماید، نه تنها که امریکا در افغانستان با تلفات سنگینی رو برو خواهد شد؛ بلکه دوام این وضع کار امریکا را در ایران زار خواهد ساخت. پس چاره چه است و امریکا چه راه و چاره ای را باید در پیش بگیرد که در عین زمان در گیر جنگ با همه نباشد. امریکا باید افغانستان را آرام نماید. از یکطرف دولت پاکستان و ISI از متقاعد سازد که طالبان را برای مذاکره با دولت بکشاند. امریکا آرزو دارد طالبان را مهار و بوسیله آنها نیروهای مخالف را در جای شان میخکوب و سرکوب نماید. تصادفی هم نیست که پیش از پیش طالبان سپردن اداره ده ولایت را به ایشان از دولت کرزی مطالبه می نمایند؛ یعنی طالبان ده ولایت افغانستان را با سلاح امریکائی، جاسوسخانه و آلات لوجستیکی ائتلاف بین المللی برهبری امریکا از خود میسازد

تا در مقابل نیرو هائیکه در کشور بر ضد سیاست های خرابکارانه امریکا که کشور ما را به صحنه زد و خورد به نفع خود مبدل میسازد و نیروهای ارتجاعی طرفدار ایران در کشور قرار بگیرند.

پس در همچو حالتی کشور ما باز صحنه زد و خورد های موحش و جنگهای خانمانسوز قومی، منطقوی و مذهبی خواهد شد و کاری را که اشغالگران میگویند برای جلوگیری از آن آمده اند، به اندازه شدید تر آن به پیش برده خواهد شد.

سیر حوادث نشان خواهد داد که اوضاع در افغانستان، ایران و پاکستان به کدام جهت پیش خواهد رفت. به هر صورت پیشنهادات صلح کرزی با طالبان و حکمتیاری در خدمت سیاست پیشبرد جنگ امریکا با ایران خواهد بود.

س: از شروع سال ۲۰۰۷ در بین عدهء از افغانهای خارج از کشور، تحریک های سیاسی بوجود آمده است که به مقصد «جستجوی راه حل بحران... افغانستان» کار کنند و در کنار آن یا موازی با آن «پاسخ به نیاز زمان» طی یکی دو کنفرانس به بحث گذاشته شده و برای ساختن یک سازمان سر تاسری تلاش می کنند. این روند را چگونه ارزیابی می نمایند؟

ج: تاجائیکه من اطلاع دارم آغاز این حرکت از بهار سال جاری به اینسو می باشد که طی یک سمینار به سر پرستی آقای ویس ناصری در شهر ایسن Essen آلمان در روزهای ۲۴ و ۲۵ ماه مارچ، اعلان گردید. به روایت قطعنامه ای که در ختم این کنفرانس بیرون دادند، ۳۰۰ نفر افغان در این کنفرانس حضور بهم رسانده بودند. عنوان کنفرانس «جستجو راه حل بحران و بن بست فعلی معضله افغانستان» انتخاب گردیده بود.

متعاقب آن در همین شهر به روز شهادت که هر سال از طرف خانواده های سامائی تجلیل میشود هم در این باره گفتنی هائی وجود داشته و بعد از آن هم مقالاتی در نشست های مشابهی خوانده شده و بالای آن ها جر و بحث هائی صورت گرفته که مقاله یا تحلیل «نیاز زمان» آقای فارانی بیشتر از همه جلب توجه میکند. مکمل حرکت آقای ویس ناصری باید فعالیت آقای نیل مسکین یار باشد که شخص وی شبکه جهانی تلویزیون آریانای افغانستان را که از اورنج کا و نتلی کالفرنیا، پخش میشود، اداره می کند و حرکت خود را حرکت اصلاح طلبان می نامد و یکتعداد تکنوکراتها و لیبرالهای تیپ غربی را دور هم جمع نموده تا با مدد و همکاری منورین داخل کشور برای اصلاح اداره آقای کرزی که به نظر شان دارای خلاء می باشد، بکوشند. پس بطور فشرده باید گفت که در ین حرکت ها آقای مسکین یار، آقای فاروق فارانی و تسلیم طلبان سامائی، بازیگران صحنه اند.

س: حالا که مشخص نمودید که این سه نیرو داخل صحنه شده اند پس بهتر است توضیح دهید که اینها برای مردم خود چه می خواهند بگویند؟

ج: اگر به مقالات، تحلیل‌ها، قطعه‌نامه‌ها و جلسات آنها مراجعه شود، فهمیده میشود که اینها از نظر محتوای سیاسی و طرح‌های که بیرون داده اند و برای پیاده کردن این طرح‌های خود راهها و وسایلی را که انتخاب کرده و به مدد می‌گیرند، با هم تفاوتی ندارند. مثلا تسلیم طلبان سامانی توسط نوشتن کتاب «الگوی دموکراسی...» مواضع خویش را در برابر اشغال کشور، موجودیت قوای اشغالگر و دولت کززی اعلام نمودند و حالا هم دور همان طرح خود پیچیده و «روشنگری» می‌نمایند و پافشاری می‌کنند که توسط انتخابات دموکراتیک نیروهای سالم و عدالت خواه نهاد های دولت را از شورا های محلی، ولایتی تا پارلمان اشغال کنند و دولت را به طرف اصلاح که در آن خیر مردم باشد، بکشاند.

در قطعه‌نامه ای که از طرف کنفرانس ایسن Essen زیر نام «جستجو راه حل بحران و بن بست فعلی معضله افغانستان» پخش گردید اصلا از تجاوز و اشغال، از حق خود ارادیت و حاکمیت مردم یادی هم نگردیده و این که این بحران زاده چه عواملی است اصلا اشاره به آن نشده و اشغالگران را نیروهای بین المللی ائتلاف و مخالفین را جمله بنام مقاومت مسلح ملی یاد کرده و «خواهان اعلان فوری و عاجل آتش بس و پایان این حالت رقتبار و غم انگیز» شده اند. آن هم به اتفاق آراء.

قطعه‌نامه در باره دولت کززی که اتحادی از نیروهای ضد مردمی و ضد ملی میباشد و یکسره در خدمت اشغالگران برهبری امریکا قرار دارند، خود را خاموش گرفته از جنایت و کشتاری که قوای اشغالگر در افغانستان براه انداخته اند اینطور به اتفاق آراء ابراز نظر می‌کند «ادامه وضعیت جاری کشور و دوام عملیات جنگی و درگیری های نظامی که به اثر آن روزانه عده زیادی از اهالی ملکی و مردم بیگناه و بی دفاع وطن عزیز ما افغانستان به انواع و اقسام مختلف به شهادت می‌رسند و یا مجروح میگردند... و ما قاطعانه از اطراف درگیر جنگ، خواهان اعلان فوری آتش بس و پایان این حالت رقتبار و غم انگیز می‌باشیم.»

قطعه‌نامه از کشتار اهالی بیگناه یاد میکند و می‌گوید مردم بیگناه اند و بی دفاع ولی نمی‌گویند که تجاوز گر کی است و گناهکار چه کسی است و پایان این حالت رقتبار و غم انگیز را در اعلان فوری آتش بس جستجو می‌کند.

قطعه‌نامه به اتفاق آراء یاد آوری می‌کند که «مدعیان صلح و دموکراسی» یعنی قوای اشغالگر به عوض استقرار ثبات و آوردن امنیت، خود به یک نیروی مخرب جنگی تبدیل گردیده اند و باز می‌گویند که ناتو این قوا را بکشد و بعوض آن ملل متحد نیروهای کشور های اسلامی و بی طرف را در افغانستان بیاورد. این هم شد چاره ای که برای مردم خود پیشنهاد میکنند. اصلا به فکر شان هم نمیگردد که غیر از موجودیت عساکر خارجی یک راه و چاره دیگر هم وجود

دارد؟ و تا کی برای غلامی و نوکری خارجی‌ها کارکنیم و اتکاء به نیروی خودی را اصلا نمی‌فهمند.

کنفرانس طی همین قطعه‌نامه باز هم به کشور های خارجی آلمان، فرانسه، ایتالیا، ملل متحد و کشور های اسلامی دست نیاز دراز نموده که با تدویر یک «کنفرانس بزرگ بین المللی مبتکر باز نگری و تجدید نظرسیاسی و نظامی در قضیه خونبار افغانستان مظلوم گردند»

مداخلات بیگانگان را هم نکوهش کرده و بالاخره برای چاره جوئی این حالت که آنرا «جستجوی راه حل بحران...» می‌نامند «از دولت مردان فعلی افغانستان مصرانه و با کمال صمیمیت» می‌خواهند که «به خاطر نجات وطن از این حالت رقتبار جنگ و خونریزی... رهانیدن افغانستان عزیز از شر و مصیبت تجزیه و تخریب بنای وحدت ملی آن توسط بیگانگان، حاضر گردند تا با دعوت یک شورای بزرگ واقعا ملی و اسلامی منتخب، تصمیم سر نوشت ملت عزیز افغانستان را به خود ملت گذاشته و به فیصله های ارزشمند آن صمیمانه همکاری نمایند.»

شما متوجه هستید که شاملان این کنفرانس مسئله افغانستان را توسط کنفرانس ها حل می‌کنند. یکبار در بن، باز توسط لویه جرگه ها و حالا توسط «شورای بزرگ واقعا ملی و اسلامی منتخب» (یعنی آنچه در گذشته بود نه ملی، نه اسلامی و نه منتخب واقعی بود). وقتی مردم به آن درجه آگاهی سیاسی برسند که نمایندگان خود را به یک شورای منتخب واقعا ملی و اسلامی بفرستند، چرا باید دولت مردان فعلی افغانستان در آن رول داشته باشند و اینها کی هستند که از آنها به صمیمیت خواسته شود که به خاطر نجات وطن از این حالت رقتبار جنگ و خونریزی بکوشند، در حالیکه اینها یک مشت مزدور و جنایت پیشه ای بیش نیستند که همین حالت جنگ و خونریزی را به رهبری اشغالگران به میان آورده اند. بالاخره کنفرانس چی ها آنها هم با اتفاق آراء دل شان برای مردم می‌سوزد!!! و از «جامعه بین المللی خواهان مسدود گردیدن عاجل و فوری همه زندان های کشور های خارجی در داخل افغانستان می‌باشند» ولی نمی‌گویند که امریکا در جوار محبس پلچرخی به مصرف ۱۷ ملیون دلار، زندان جدیدی را آباد نموده که شکنجه گاه آزادخواهان افغان می‌باشد.

قطعه‌نامه به اتفاق آراء به این نتیجه گیری می‌رسد که: «هموطنان دانشمند و دلسوز... با قلم و قدم از هر طریق ممکن به غیر از جنگ انقلابی در پروسه ختم جنگ، قطع مداخلات انفاذ آتش بس، آوردن صلح، استقرار ثبات و امنیت در کشور ما و تشکیل شورای بزرگ و تصمیم گیرنده ملی در داخل افغانستان صادقانه و صمیمانه تشریک مساعی نموده، برای نجات ملت خویش پیشگام و با ما هم‌نوائی و همراهی نمایند.»

شما به روح و روان این کنفرانس که توسط

قطعه‌نامه شان آن هم به اتفاق آراء فیصله کرده اند، پی می‌برید یعنی از جنگ و خونریزی و بدبختی مردم در همه ساحات، از زندان و شکنجه و سایر مصیبت ها یاد آوری می‌کنند ولی وقتیکه درباره راه حل می‌رسند، طرحی را که ارائه می‌دهند پس به همان نیروها مراجعه می‌کنند و از آنها که بنیاد این شر و فساد را ریخته اند چه اشغالگران و چه نوکران داخلی شان که در دولت مزدور جمع شده اند و نمایندگی از منافع طبقات ستمگر و مفتخوار می‌کنند، می‌خواهند که به بحران رسیدگی نمایند و راه حل و چاره را «صادقانه و صمیمانه» دنبال کنند.

تحلیل «نیاز زمان...» آقای فاروق فارانی هم که با عبارات شاعرانه بیان گردیده به سابقه جنبش چپ پرداخته، از کم و کاستها و اشتباهات گفته و از مرضی هائیکه جنبش چپ به آن دچار بوده و است می‌پردازد و بالاخره داروی شفا بخش و اکسیر گونه را پیشنهاد می‌کند مبنی بر اینکه دولت کززی با پر جا باشد، قوای امریکائی باشند و تنها تنظیم ها، طالبان، مافیا ها و ان جی او ها از قدرت رانده شوند و جایشان را به

اپوزیسیون سیاسی-اجتماعی خالی کنند. آقای فارانی بر این عقیده است که «خطرناکترین بخش این تجاوز نه سربازان امریکائی و متحدین آن، بلکه وجود تنظیم ها، طالبان، مافیا ها و ان جی او هائیکه پایه های اصلی اجتماعی و سیاسی تجاوز امریکا و متحدین آنرا در افغانستان تشکیل میدهند» که به نظر من این مجموعه که فارانی صاحب از آن یاد آوری می‌کند مفهوم دولت را ارائه می‌کند.

آقای فارانی درختان را می‌بیند و جنگل را نمی‌بیند. از این معلوم میشود که آقای فارانی هنوز امپریالیسم را نمی‌شناسد و لا اقل پیوند امپریالیسم را در کشور های نیمه مستعمره-نیمه فتودالی یا مثل کشور ما مستعمره و نیمه فتودالی درک نمی‌کند. در حالیکه امپریالیسم بدون مستعمرات به زندگی خود ادامه داده نمی‌تواند. نیروی کار ارزان مواد خام و بازار های فروش درین کشور ها است که امپریالیستهارا داشته تا برای تصاحب آن ماشین جنگی خود را به حرکت آورند و کشور ها را اشغال نمایند. البته باید متوجه باشند که بدون همکاری و خدمت طبقات فتودال و کمپرادور های بومی که منافع مشترک با امپریالیست ها دارند، امپریالیسم نمی‌تواند به کشور ها تجاوز نماید و یا هم در شرائط بدون جنگ به معاملات اقتصادی-سیاسی بپردازد. پس اگر تنظیم ها اند، مافیا ها و ان جی او ها همه و همه زاده امپریالیست ها اند که تکیه گاه شان در افغانستان می‌باشند و از همین جهت است که تجاوز گران امریکائی آنها را به خدمت گرفته و یکی بدون دیگر در افغانستان به عمر خود دوام داده نمی‌توانند. اگر یک جنبش مردمی-انقلابی برای طرد اشغالگران مبارزه کند، هر دو با هم متحدانه برای از بین بردن آن از خود عکس العمل نشان میدهند. ما طی چند سال شاهد

خیزشهای مردم برضد اشغالگران و دولت مزدور بوده ایم و دیدیم که دولت مزدور یکجا با اشغالگران به چه شدت آنها را سرکوب نمود. و یک صدا از دو جناح برای محکومیت مردم می برآید.

آقای فارانی میخواهد مطابق طرح خود اتحاد یک جنبش ملی و دمکراتیک (چپ) را بوجود آورد و «در پیشاپیش اپوزیسیون سیاسی-اجتماعی گسترده ظاهر گشته و حتی بخشی از وظائف دولت را که سیاست نتولیبالیست از دولت حذف کرده به دوش گرفته و قدرت مردمی را با بسیج مردمی و شرکت فعال مردم از پائین اعمال نماید» این صاف و ساده در خدمت اشغالگران برهبری امریکا قرار گرفتن است و به شیوه نا درست حل تضاد عمده است.

آقای فارانی میخواهد در زیر چتر حمایت اشغالگران هر کاره شود. طبعاً باید برای اشغالگران و دولت، بی آزار و بی خطر باشد تا وی را بپذیرد و به اپوزیسیون سیاسی-اجتماعی اش هم ضرری نرساند، در غیر آن صورت کار اش زار می شود. بدترین و خطرناکترین اشتباه آقای فارانی در این است که راجع به ساختار دولت کرسی از خود بی توجهی نشان می دهد. دولت کرسی مجموعه از نیروهای جامعه است که در خدمت طبقات دارا که وسایل تولید و اختیارات توزیع تولید را در دست دارند می باشد و نمی گذارد بطور یکسان و عادلانه همه طبقات شامل جامعه از آن استفاده ببرند. این دولت البته که از طرف قوای اشغالگر حمایت می شود زیرا منافع شان با هم یکسان می باشد. آقای فارانی میخواهد ما را قانع سازد که دولت می خواهد برای مردم کار کند و امریکا هم برای همین منظور آمده است، ولی این کار را یک بخشی از نیروهای داخل دولت که آقای فارانی آن بخش را تنظیمی، طالبی، مافیائی وان جی او ئی می گوید، مانع می شود و باید تلاش نمود که اپوزیسیون سیاسی-اجتماعی، جای این نیروها را اشغال کند. البته

مطابق طرح تسلیم طلبان سامائی و یا هم طرح اصلاح طلبان در امریکا به نمایندگی مسکین یار. چنانچه به صراحت می نویسد: «با افتادن وظائف حذف شده دولت در چنگ درنده مافیایا، ان جی او ها، تنظیم ها و طلبان اکنون مردم بلا کشیده به گروگانهای آنها تبدیل شده و عرصه زندگی هر چه تنگتر گردیده است. در ین زمینه میتوان با سازماندهی مردم در همه عرصه ها آنها را از چنگ این درندگان قدرت بیرون نموده در خدمت سیاست رفاه، دمکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی قرار داد.» در موجودیت اشغالگران چطور ممکنست به این ایده آل ها رسید؟ آنهم آرام و به صورت مسالمت آمیز و بی درد سر.

تحلیل آقای فارانی «نیاز زمان...» هر چه را در بر گرفته راجع به امپریالیسم، «تضاد های اساسی»، مقاومت و مبارزه نسل پیشین، جنبش ملی-دمکراتیک (چپ) و اشتباهات شان و... ولی یک چیز بسیار مهم و اساسی را نگفته که کشور زیر اشغال قرار دارد و یک دولت مزدور بر سر اقتدار است. یا باید اشغال و تجاوز را قبول نمود و زیر چتر حمایت شان قرار گرفت و یا هم بر ضد شان به مقاومت و مبارزه پرداخت، راه سومی وجود ندارد. و من عقیده دارم که تضاد عمده در افغانستان بین مردم افغانستان و اشغالگران به رهبری امریکا میباشد و باید در قدم اول برای حل همین تضاد کوشید.

خط حرکتی آقای مسکین یار که خود را اصلاح طلبان می نامد؛ عقیده دارد که کرسی شخص بد خواه ملت نیست، آدم وطن پرست و مردم دوست است ولی کار آزموده نیست، بی تجربه است، آگاهی و معلومات ندارد در اداره اش خلاء موجود است. به گفته فارانی صاحب، وظایف نتولیبالیست ها حذف گردیده، و باید تکنوکراتها را در آن جای داد و هدف از اصلاح همین است که باید بعضی ترمیمات و اصلاحات صورت بگیرد. باید به سناتورهای امریکائی وستیت دیپارمننت در تماس شد که چاره ی را بسنجند.

این است فعالیت های چشمگیر این سه جریان که آقایان فارانی، ویس ناصری، مسکین یار و تسلیم طلبان سامائی با تغییر کلمات؛ ولی طرح مشابه یا گفته میتوانیم هم سان (چون در قطعنامه ایسن همه ای شان آنرا به اتفاق آراء پاس کردند)، موضعگیری نموده اند.

س: شما در صحبت خود در اشاره به نوشته آقای فارانی که به غلط از چند تضاد اساسی یاد نموده بود بدون توضیح منظور وی به تضاد عمده جامعه افغانستان اشاره نمودید، لطف نموده منظور آقای فارانی از این طرز صحبت را روشن سازید؟

ج: وقتی در نوشته «نیاز زمان...» خود آقای فارانی از تضاد های جهانی صحبت می کند، فرق تضاد های عمده و اساسی را نمی شناسد، نمی گوید که در افغانستان کدام تضاد عمده است و برای حل آن باید از چه شیوه پیش رفت. وقتی میگوید تضاد اردوگاه سوسیالیستی و امپریالیستی وجود ندارد، درست می گوید؛ ولی باز هم زور زده تا برای گفته خود چیزی پیدا کند و این تضاد را در کشور های امریکای جنوبی در دولت های شبه سوسیالیستی و امپریالیسم می داند که درست است ولی در کشور خود که زیر اشغال قرار دارد، از موجودیت تضاد عمده چشم پوشی می کند.

س: انگیزه پراخ انداختن این حرکت ها آنهم در یک وقت، چه باید باشد؟

ج: کنفرانس بن ویلنفرم آن مورد قبول این حرکت ها بوده و هست. ممکن بعضی شان گلابه داشته باشند، مثل امروز که میگویند که به عوض تنظیم ما ما حاضر هستیم این وظایف را بدوش بکشیم، ولی با گذشت شش سال مردم دیدند که کاری انجام نگرفت. همین نیرو های خارج نشین از وضع شاکلی و نا آرام هستند. طیف وسیع نیرو های داخل کشور و بیرون مرزها برای دوام این حالت حوصله ندارند و برای خود مواضع حرکت سیاسی را، جستجو می کنند. برای اینکه این نیروها را آرام ... بقیه در صفحه: ۹

یک تذکر: در شماره ۵۱ مقاله تحت عنوان [«افغانی که نمی خواهد بجنگد - نگارنده « الکساندر ورجینیا»، مترجم «دکتور میر عبدالرحیم عزیز»] «علیرغم نادرستی هایی که در آن موجود و مخالف پالیسی «سازمان...» محسوب میگردد، توسط هئیت تحریر تأیید و به نشر رسید.

بعضی از دوستان به ما خرده گرفتند که چرا چنین مطلبی در نشریه «خپلواکی» به چاپ رسیده است.

در جواب به آن دوستان متذکر می شویم که «سازمان ملی دمکراتیک آوارگان افغانی» یک سازمان دمکراتیک واقعی بوده و وظیفه خود میداند تا مطالبی را که مبین مقاومت و مبارزه خلق افغانستان و جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع و افشای کنندگان اعمال نیرو های اشغالگر و چهره های مزدور و خائن باشد در نشریه اش، بچاپ برساند؛ اما مسئولیت نوشته ها به دوش نگارندان آنها بوده و خود پاسخگوی انتقادات وارده خواهند بود.

ما به نظرات علمی، منطقی و اصولی نویسندگان ارج می نهیم و معتقدیم که درج مطالب متنوع زمینه بحث های مفید و آموزنده را مساعد و به غنی تر نمودن نشریه و آگاهی بیشتر خوانندگان خواهد افزود.

هئیت تحریر «سازمان ملی دمکراتیک آوارگان افغانی»

مردم افغانستان و دلسوزی امپریالیست ها

نمونه دیگر کشور ترکیه است که یکی از اقمار امریکا بوده و بسوی شامل شدن در اتحادیه اروپا روان است. جندی پیش در وب سایت بی بی سی فیلم کوتاهی به نمایش گزارده شد (این فیلم احتمالاً تا هنوز در وب سایت مذکور موجود است). که کشت و جمع آوری خشخاش در کشور ترکیه را به روش های مدرن نشان میداد. مصاحبه های که در این فیلم با دهقانان صورت گرفته نشان میدهد که کشت، جمع آوری و فروش خشخاش در ترکیه آزاد بوده و دست اندرکاران آن از این ناحیه اظهار رضایت نموده اند. به یقین فروش مشتقات این ماده تباه کن برای زمامداران مرتجع ترکیه و پاداران شان منافع زیادی را بیار میآورد. بکاربردن تجربه ترکیه در کشت، و جمع آوری خشخاش در افغانستان نمونه مناسب، کم مصرف و پر درآمد برای امپریالیست ها بخصوص امپریالیسم امریکا خواهد بود. این تجربه به اضافه تجربه تخم اصلاح شده - که کشت آن محصول امسال را چند برابر بالا برد - میلیونها دالر درآمد خواهد داشت. این که چه بلایی به سر مصرف کنندگان آن می آید بر همگان، واضح است.

بلی، این ها که هیچ دلسوزی برای مردم افغانستان ندارند باید طبق محاسبه خود شان تا ۳۵ سال دیگر در افغانستان باشند تا مردم ما خاک بخورند و آنها پاک و اهداف استعماری شان را طبق دلخواه پیش ببرند.

این حالت را باید تغییر داد. با هوشیاری و تفکر سالم در کنار مردم خود قرار گرفتن و از این جایگاه برای پیشبرد مبارزه روشننگرانه و شناساندن و معرفی کلیه دشمنان مردم. اینست چاره اساسی بیرون رفت از این اوضاع، اوضاعی که امپریالیست ها طراح آن اند. n

به گفته جنرال امریکایی Mcnell در مدت ۱۹ ماه اخیر هفت هزار انسان غیر نظامی به قتل رسیده اند. اگر رقمی را که این جنرال معرفی میکند قبول کنیم باید سنوآل گردد که این هفت هزار نفر چرا به قتل رسیده اندو مسنول این قتل ها وجنایت ها که ها اند؟ صاف و ساده می توان گفت که قوای ناتو به رهبری امریکا مسنول کشتار وجنایات مردم بیگناه افغان می باشند.

اجتماعی کاملاً وابسته است باز هم مردم افغانستان شکر خواهند کشید که در بنگله دیش زندگی نمی کنند با آنکه مردم افغانستان از اثر بمباران های وحشیانه قوای ائتلاف برهبری امریکا قتل عام می شوند. بنگله دیشی ها قربانی طوفانهای مونسونی و در گیر شرایط ناگوار ناشی از آن اند که دولت بورژواکمپرادور وابسته به امپریالیسم به آن رسیدگی نمی کند.

حالا مردم افغانستان باید ۳۵ سال انتظار بکشند تا از برکت موجودیت هفت هزار سر باز وحشی و آدمکش انگلیسی کشور شان به سوویه بنگله دیش برسند.

براستی که امپریالیستها برای مردم افغانستان چقدر دلسوز اند و با چه شفقت و مهربانی برای بهبود وضع افغانستان پلان می سنجند!!!

در زمان سلطنت ظاهر شاه در سال ۱۳۴۷ وقتی شعله ای های زندانی را به جرم مظاهره ۲۵ جوزا به محاکمه کشیدند و یکتعداد شان را به حبس ۱۳ سال محکوم کردند، انجنیر عثمان برای قاضی گفت آیا شما تضمین کرده میتوانید که در ۱۳ سال آینده این رژیم پا بر جا خواهد بود؟ طوری که دیدیم پنج سال بعد از آن رژیم شاهی سرنگون گردید.

مردم زحمتکش و مبارز افغانستان که روحیه استقلال خواهی و آزادی طلبی آنها شکست ناپذیر است و سه دفعه انگلیسی های متعرض و اشغالگر را به جزای اعمال استعمار گرانه اش رسانده و حالا که باز هم نواسه های کیوناری و مکناتن ها بر حریم مقدس ما تاخته و انتقام مکناتن ها را می گیرند ومی خواهند به اهداف پلید استراتژییک خود برسند باید بدانند که لانه زنبور ها آنها را آرام نخواهد گذاشت . قهر، کینه و نفرت مردم بر ضد شان به جوش آمده و هر کوی و بر زن بر ضد شان به سنگر تبدیل شده است. مردم بی گناه در گوشه و کنار کشور زیر بمباران های وحشیانه قتل عام میشوند و دهات و قریه جات از سکنه خالی میشوند و قبرستان ها وسعت مییابد. در ولایت هلمند جاتی که هفت هزار سر باز انگلیسی مستقر است و مردم را به قتل میرساند کشت خشخاش به صورت سرسام آوری افزون گردیده و بنا به گفته خود شان ۹۵٪ مواد مخدر بازار های لندن از همین منطقه بدست می آید. این رابطه ها خاطرات جنگ تراباک را پیش چشم انسان میگذارد که خود بر تانوی ها آنرا شروع کردند. به کشت آن پرداختند، قاچاق آن را رونق دادند. آنرا تا سواحل غربی امریکا رساندند و میلیونها پوند را در حساب های اعضای خاندان شاهی انگلستان جاری نمودند. امروز هم همان معامله در جریان است.

جندی پیش سفیر جدید انگلستان «کاپرلویز» در کابل گفت: « برای اینکه کار ها به صورت درست انجام پذیرد و مبارزه بر ضد مواد مخدر خوبتر صورت پذیرد ما ضرورت داریم که نیروهای نظامی ما برای ۳۵ سال دیگر در افغانستان باقی بماند.» وی در ضمن یاد آور گردید که: « اگر این همه کار ها بصورت احسن اش انجام پذیرد در ۳۵ سال آینده افغانستان به سوویه بنگله دیش خواهد رسید.»

خوانندگان محترم «خیلواکی» می فهمند که بنگله دیش زمانی یک ایالت پاکستان بود که بنام پاکستان شرقی هم یاد میگردد و در سال ۱۹۷۱ از پاکستان جدا شدو برهبری شیخ مجیب الرحمن کشوری بنام بنگله دیش یا کشور بنگالی ها بوجود آمد. این کشور در حدود یکصد وچهل میلیون نفوس دارد و بزرگی آن به اندازه ایالت «بایرن» کشور آلمان است. در بنگله دیش یک رژیم نیمه مستعمره بورژوا کمپرادور وجود دارد و اکثریت کارگران این کشور در کارگاه های خیاطی و مونتاز سرمایه داران خارجی روزانه در بدل یک دالر کار میکنند. فقر و تنگدستی مردم با مصیبت های ناشی از باران های موسومی که همیشه مردم این کشور را به کام مرگ میکشاند و دولت در این باره اقدام و چاره سازی اساسی نکرده است. فساد اداری در بنگله دیش امروزی به سوویه افغانستان است. در لستی که در این اواخر در مورد فساد وارتشآ اداری توسط ملل متحد به نشر رسید، بنگله دیش و افغانستان تقریباً در یک ردیف قرار دارند. وقتی که از صفحه تلویزیون ویا از خلال روز نامه ها در باره مردم بنگله دیش با خبر میشویم و صدمات ناشی از سیلاب ها و مرگ و میر ماهیگیران در خلیج بنگال را مشاهده میکنیم خود به خود به این نتیجه میرسیم که کشور غریب و بیچاره دیگری مثل بنگله دیش در کره خاکی وجود ندارد و رژیم بر سر اقتدار این کشور صحنه مبارزه و قدرت نمائی دو گروه بروکرات های بورژوازی خالده ضیا و شیخ حسینیه می باشد که مردم این کشور را به ستوه آورده و باعث گردیده اند که مبارزه زحمتکشان این کشور به اوج نوینی برسد باز هم این دو زمامدار رقیب بر ضد مبارزات مردم این کشور به معامله می پردازند و مبارزات مردم را سرکوب نموده و دیکتاتوری عریان را به نمایش می گذارند. اگر اوضاع و شرایط امروزی بنگله دیش و افغانستان را با هم مقایسه نمائیم با آنکه افغانستان در چنگال اشغال کشور های ائتلاف برهبری امریکا می باشد و یک دولت مزدور و ضد مردمی که اتحاد جنایتکاران رژیم های سه دهه اخیر می باشد به زور قوای ناتو بر مردم تحمیل گردیده و در ساحه اقتصادی، سیاسی و

اعلامیه ها

هفت اکتبر

روز تجاوز اشغالگران امریکایی بر افغانستان است

هفت اکتوبر سال ۲۰۰۱ با تجاوز وحشیانه نظامیان امریکایی در افغانستان رقم خورد است. اشغالگران امریکایی زیر نام مبارزه با تروریسم افغانستان را اشغال و دست پروردگان طالب خویش را که مدت مصرف آنها به سر رسیده بود از بین برداشته و رژیم ضد انسانی و مزدور کرزی را به حمایت از ۶۰ هزار سرباز ناتو برهبری امریکا بر مردم افغانستان تحمیل نموده است.

مردم ستمدیده و زحمتکش افغانستان که از سه دهه به اینطرف فشار های گوناگون اقتصادی - سیاسی را تحمل نموده و قربانی سیاستهای رژیم های آدمکش بودند با کتلعه وسیع مهاجر که در کشور های همجوار زیر شرایط غیر انسانی و دشوار زیست مینمودند به اثر تبلیغات امپریالیستی مبنی بر باز سازی افغانستان آزادی و دموکراسی برای شهروندان و مبارزه بر ضد فساد و مواد مخدر و بهبود بخشیدن وضع اقتصادی، در انتظار نشدند تا وعده های امپریالیستی به ثمر نشیند.

امپریالیست ها اولین کاری را که کردند در دولت و ساختار سیاسی و نهادهای کاری آن افراد و اشخاصی را تقرر بخشیدند که سابقه دور و دراز در جنایت و آدمکشی دارند. همه نیرو های قلدر، قاچاق پیشه و استفاده جو باهم یکجای شده و ارگانی را زیر عنوان دولت بوجود آوردند که جز مال اندوزی از راه رشوت ستانی، اختلاس و غصب دارائی های عامه و بیت المال و قاچاق مواد مخدر مصروفیت دیگری ندارند. این بیدادگری ها باعث گردید که حال مردم روز بروز بد تر بشود و باز خواست گری هم وجود ندارد. پس سر به شورش و طغیان برداشتند. محصلان پوهنتونهای افغانستان، شاگردان و معلمان، مامورین ملکی و عسکری، معلولین و صاحبان کسب و پیشه به اعتصابها و تظاهرات های مکرر پرداخته و دولت و قوای ناتو برهبری امریکا را که هر روز دم از کمک رسانی به رقم میلیارد ها دالر می زدند، زیر فشار گرفته تا وضع بهبود یابد. از آنجائیکه دولت یک ساختار سیاسی اجرائی نیست که برای همه طبقات و اقشار جامعه گوش شنوا داشته باشد و خدمت گذار و درد بخور شان باشد، لذا دولت در مقابل این همه اعتراضات عذر آوردن به بهانه های مختلف و تحمیل مردم، برای خود وقت کمائی می نمود و بوجه خیلی وحشیانه و غیر انسانی به اعتراضات مردم بر خورد میکرد. حالا که مدت شش سال از اشغال کشوری گذرد و به اصطلاح خود شان، افغانستان دولت انتخابی، قانون اساسی و پارلمان منتخب دارد، لیکن بازم وضع و حال اقتصادی مردم بهبود نمی یابد و خلاف همه امیدواری های که به مردم داده شده بود، بر سر شان هر روز بمباران صورت می گیرد، از خانه های شان رانده

می شوند و روزانه دهها نفر کشته می شوند، آرامش، صلح و امنیت از جامعه رخت بر بسته و به عوض آن جنگ و آدمکشی، قتل و جنایت بدست نیروهای اشغالگر دامنه وسیع یافته است. کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر زیر نظر قوای اشغالگر رونق بیشتر یافته است. وضع زنان بوخامت گرائیده و صد ها هزار دختر جوان از رفتن به مکتب و کسب و کار در چهار دیواری خانه ها محصور ماند اند.

به گفته جنرال امریکائی Mcnell در مدت ۱۹ ماه اخیر هفت هزار انسان غیر نظامی به قتل رسیده اند. اگر رقمی را که این جنرال معرفی میکند قبول کنیم باید سؤال گردد که این هفت هزار نفر چرا به قتل رسیده اند و مسئول این قتل ها و جنایت ها که ها اند؟ صاف وساده می توان گفت که قوای ناتو به رهبری امریکا مسئول کشتار و جنایت مردم بیگناه افغان می باشند. زیرا قوای ائتلاف برهبری امریکا به گفته شان برای ایجاد صلح، باز سازی، بهبود بخشیدن وضع اقتصادی و اجتماعی مردم به افغانستان آمده اند، پس وضع چرا خلاف آن را نشان میدهد؟ در اوضاع جاری افغانستان نه طالبها و القاعده نه ایران و پاکستان و نه کدام نیروی فعال و جنگجوی دیگری را سراغ داریم که وضع را به این وخامت کشانده باشند و بهانه ای باشد برای وحشیگری نظامیان ناتو برهبری امریکا که هزار ها انسان بیگناه را به کام مرگ میفرستند. ریشه این همه بی سرو سامانی ها، آدمکشی و بی امنیتی را باید در اشغال افغانستان و حضور قوای بیگانه، سلب اراده و آزادی های مردم افغانستان و زیر پا نمودن حق حاکمیت ملی و استقلال افغانستان دانست که میخواهند این جنایت بزرگ را از راه دروغ، فریب و تحمیل مردم که همانا دولت منتخب، قانون اساسی و نمایندگان انتخابی مردم را قانونی جلوه بدهند و حاکمیت خود و جنایت کاران مزدور خویش را بر اکثریت جامعه تحمیل کنند، وقتی مردم آنرا نپذیرند، **منطق امپریالیست ها کشتار و قتل عام است.** چیزی که دوام دارد، همانطوریکه قوای متجاوز شوروی زیر نام دفاع از انقلاب افغانستان و بر ضد مداخله خارجی ها، کشور ما را اشغال نمودند و با همه وحشیگری، کشتار و جنایت نتوانست تاب مقاومت در برابر مبارزات آزادی خواهانه مردم افغانستان را بیاورد قوای متجاوز ناتو به رهبری امریکا که زیر نام «آزادی دوامدار» (Enduring Freedom) صلح و امنیت و باز سازی کشور ما را برای مقاصد پلید امپریالیستی به اشغال در آورده اند نخواهند توانست به آرمان های شوم خود برسند. متأسفانه وضع طوری است که از این اوضاع بی سرو سامان و بیزاری و نفرت مردم از دولت مزدور و اشغال

گران برهبری امریکا، نیرو های ارتجاعی داخل و خارج از دولت استفاده می برند و هر کدام از این نیروها رجحان و برتری خود را به رخ مردم کشیده و به طرف صلح و مصالحه به ضرر مردم عامی و مبارزه طلب در حرکت اند. نیرو های سیاسی آگاه که تجربه و آموزش تاریخ را پیشروی خود دارند و نیرو های اشغالگر امپریالیستی برهبری امریکا و نیرو های وابسته در حاکمیت و خارج از آن را در قطار دشمنان مردم افغانستان می شمارند برای مبارزه و مقاومت فعال برای باز نمودن و گشایش جبهه دیگری نیاز دارند که مقاومت های مردم را ساز و سامان دهند و نگذارند مردم زحمتکش قربانی امیال پلید و غیر انسانی نیرو های دشمن گردند و باید آن باور ها و پیوند هائی را تخته کنند که دشمنان مردم کوشش میکنند بار دیگر زحمتکشان کشور را بازی دهند.

جریانات فعلی جاری در افغانستان رنگ و بوی یکی دو سال اخیر را ندارد. مردم زحمتکش و بلادیده دریافته اند که نیرو های اشغالگر و دولت مزدور بدرد شان نمی خورد. تبلیغات باز سازی، دموکراسی، جامعه مدنی، حقوق زن و آزادی های شهروندان رنگ و جلای خود را باخته است. در کنج انزوا و عزلت نشستن و دعای خیر بدرقه راه دولت مزدور و حامیان امپریالیستش را نمودن، گناه نابخشودنی است. مردم چندین گام از ما پیشقدم اند و وارد معرکه های خونین شده اند آن طوریکه برای خود از جور و جفای تبهکاران و بمباران های اشغال گران کاشانه و خانه را جستجو میکنند بالا تر و فوری تر از آن باید به رهبری شان شتافت. دم را غنیمت شماریم. بگذریم خائنین ملی، تسلیم طلبان و مزدوران روشنفکر نما و سیاست مداران دغل باز و ابن الوقت راه پارلمان، شورا های ولایتی و وزارت و یا ریاست خانه ها را در پیش گیرند و به فریب مردم به نفع ارباب کار کنند.

راه مردم راه مبارزه و مقاومت است.

امپریالیست ها به رهبری امریکا با تجاوز و اشغال خود در افغانستان، باد را کاشتند و طوفان درو می کنند. طوفان به وزیدن آغاز نموده اتحاد و یگانگی مردم به رهبری درست و سالم شدت و قوت آن رابه نمایش خواهد گذاشت. برای شدت بخشیدن به این طوفان و بر انداختن متجاوزین و اشغالگران و مزدوران بومی شان تلاش کنیم.

مرگ بر اشغالگران امپریالیستی برهبری امریکا!

مرگ بر دولت مزدور کرزی!

برای طرد متجاوزین اشغالگر مبارزه نمایم!

برای افغانستان آزاد و دموکراتیک مبارزه نمایم!

سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی

اکتبر ۲۰۰۷

اشغال و وابستگی، قتل عام رابدنبال دارد

از وقتیکه افغانستان به اشغال امریکادار آمده و کشورهای ناتو و ائتلاف به آقائی و قلدوری در کشور ما فرمان می رانند. روزی نیست که مردم ما بمرگ غم و ماتم و سوگواری که این جنایتکاران باعث آن اند، ننشینند و به عزای عزیزان خود اشک نریزند و با آه و ناله، نفرت و بیزاری از اشغالگران یاد نکنند.

سلسله این انتقام گیری های دستجمعی بدست اشغالگران در سراسر کشور ادامه دارد. مردم افغانستان اعم از کودک و زن و مرد سالخورده و جوان، چه آنهایی که به هزارها مشقات و ریختن عرق پشت پیدانمودن یک لقمه نان برای فامیل خود اند و هم کسانی که در مکتب و مدرسه به فراگرفتن درس و تعلیم میپردازند و میوه در سفر و رفت و آمدن اند، به نام طالب و القاعده کشته می شوند.

جنایتکاران ناتو به رهبری امریکایی پروایی منازل و محلات مسکونی را با توپ و تانک و بمباردمان هوایی مورد حمله قرار داده، ده ها و صدها نفر را به قتل رسانده و زخمی میکنند و منازل و مزارع شان را ویران مینمایند. وقتی مردم برای ابراز خشم و اعتراض برمی خیزند و حتی والی و قوماندان امنیه ی محل اعتراف میکنند که به اتراین بمباردمان و یا آن حمله ی راکنی به مردم محل زیان های سر و مال رسیده، رئیس جمهور مزدور و دست نشانده برای تحقیق از واقعه " کمیسون " تعیین میکنند و جنرال گردن کلفت امریکائی پیش روی خبرنگاران حاضر شده و اظهار میدارد: " طالبان از مردم به حیث سپر کار میگیرند و اگر مردم ملکی هم کشته شده اند، مامستول آن نیستیم ". اهالی محل بارها به رسانه های خبری اظهار داشته اند که: " طالبان اکثراً یکی دو نفر با فعالیت چریکی و یا عملیات انتحاری به قوای متجاوز ضربه وارد نموده و پشت کار خود میروند و بعداً قوای ائتلاف از دهها کیلومتر دورتر منطقه را زیر آتش گرفته و از طرف شب بمباردمان میکنند و این در حالی صورت میگیرد که طالب ها ساعت ها پیش منطقه را ترک کرده اند. "

عساکر ناتو به رهبری امریکایی با هادرجائی که عملیات انتحاری صورت گرفته بر عابرین بی گناه و بی خبر آتش گشوده اند. هفته گذشته در ولایت قندهار و سه ماه قبل در ولایت ننگرهار بر عابرین و مردم که در منطقه مشغول کار بودند، آتش گشوده و کشته و زخمی برجای گذاشتند. والی های مزدور این حوادث را سوء تفاهم مینامند، کرسی

مزدور به اشک ریزی تمساح گونه مردم رامی فریبند و با کمیسون بازی میکنند و با دادن دوهزار دالره هر شهید و یک هزار دالره زخمی ها گردن جنایتکاران متجاوز را خلاص میکند. کرسی مزدور وقتی زیر فشار مردم قرار میگیرد، میگوید که من به رهبری قوای ناتومی گویم که عملیات نظامی رابا وزارت دفاع افغانستان هم آهنگ نمایند. این گفته را کسی اظهار کرده می تواند که مزدور و خود فروخته نباشد. کرسی مزدور چطور ممکن است به رهبری ناتو اینطور حکمی را صادر نماید؟ در حالی که تمام فعالیت های نظامی ناتو در افغانستان از ایالت فلوریدای امریکا که مقرر فرماندهی شان است کنترل میشود و وزارت دفاع ساخت ناتو در افغانستان حیثیت یک ملی را هم ندارد.

همین حالا افغانستان به حمام خودمیدل گردیده است. در هفته ی اول ماه جولای بیش از شصت نفر در ولسوالی " وته پور " ولایت کنرویش از پنجاه نفر در ولسوالی " گرشک " ولایت هلمند به قتل رسیده اند. در ولسوالی " سنگین " و " کجکی " ولایت هلمند و ولسوالی های " پنجواخی " و " زری " ولایت قندهار و مناطقی از ولایت ارزگان، زابل و سراسر جنوب و جنوب شرق افغانستان قتل عام ها جریان دارد. باید اضافه نمود که مخالفین اشغالگران به جنگ های چریکی مبادرت می ورزند و لی اشغالگران به رهبری امریکا آنقدر تلفات را بر مردم عادی و بیگناه وارد می کنند که شنونده فکرمی کند در آنجا جنگ های جبهه ای در جریان است.

اینست نتیجه " دموکراسی "، " آزادی "، " دفاع از حقوق بشر " و " مبارزه با تروریسم " که تا حالا اشغالگران امریکائی بر آن می دمند و زیر این نام و بهانه کشور ما را اشغال و برای سربازان خود گورستان و برای مردم زحمتکش و بی آزار از ظلم و اشغال یک کشور ویران شده رابه ارمان آورد و این هنوز که هنوز آغاز حادثه است، بعد ایش را تصور کرده نمی توانیم که افغانستان به کدام طرف روان است.

کشور ما عملاً به میدان جنگ تبدیل شده است. باید علاوه نمود که اشغالگران جنایتکار دولت مزدور و دست نشانده کرسی که پاکستان و ایران را مسبب خرابی اوضاع میدانند، همه و همه برای فریب و مغشوش نمودن اذهان مردم است. اصل مسئله درین است که کشور ما به کدام بهانه و زیرچه نامی اشغال گردید و اشغالگران در افغانستان با کدام نیروهای سیاسی و نظامی به

اتحاد پرداخته و چطور دوستی رابوجود آورده اند. این همه لویه جرگه بازی ها، انتخابات، پارلمان بازی ها و ساختن قانون اساسی از طرف همین نیروهای جنایتکار و وطن فروش صورت گرفته که پول آنرا امریکائی ها پرداخته و اختیار مملکت را در دست دارند.

فقرو تنگدستی مردم، کشتن و زندانی شدن و شکنجه و ده ها و صدها مصیبت و بیچارگی مردم خود را با بی دد و موجودیت اشغالگران و دولت مزدور کرسی که با اشغالگران همراه اند، دید و مطالعه نمود، گناه کاران واقعی این هاند:

روندگان طریقت ره بلا سپرند

کجاست شیردلی که از پلانتها رسد

دشمن آتش بجان باد پیمان را بگو

خاک بر سر کن که آب رفته باز آید به جوی
افغانستان کشور عقابها و شایر دلان است. اولاد محروم و ستمکش این وطن امروز سپر بلا ی انتقام گیران انگلیسی استند.

متجاوزین باید بدانند که خون ریخته شده مردم بی گناه سیل خروشان مقاومت های بعدی رابدنبال دارد. اگر بگوئیم مردم افغانستان قربانی تجاوز و اشغال اند، باید به این حالت خاتمه داد.

مرگ بر اشغالگران به رهبری امریکا!

مرگ بردولت مزدور کرسی!

به پیش در افغانستان مستقل ملی و دموکراتیک!

سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی

جولای ۲۰۰۷

خوانندگان گرامی:

نشریه «خپلواکی» نشریه ی

شما و نیازمند کمک های نقدی

شما است.

کمک های نقدی خود را به هر

اندازه که امکان دارد می توانید به

حساب بانکی سازمان، واریز

نمایند.

به سیاست های غیر انسانی وفا شیبستی

جمهوری اسلامی ایران

نسبت به مهاجران افغانستانی، نفرین میفرستیم!

افغان هال ۲۹ سال به اینطرف مجبوربه ترک وطن پدري خودشدند که بیشترین رقم این پناهنده هادرایران وپاکستان مسکن گزین شده اند. افغان های مهاجردراین دوکشورباشرایط خیلی دشواری که بالای شان تحمیل گردیده باخواری هاومشقات جنگیده ودرحالت اش که ازطرف کارفرمایان بحیث نیروی کارارزان مورد استفاده قرارگرفته ، توانسته اندبرای بقای خودو فامیل های شان ، نفقه وسرپناه تهیه کرده وبحیث یک اجنبی وانسان درجه دودربرابر فشارهای گوناگون مقاومت نموده استواروسلیم ناپذیروبا انکاء به دسترنج خودبه زندگی دوام دهند.

مهاجران افغانی قربانی سیاستهای غیرانسانی وجنایت کارانه جمهوری اسلامی ایران شده وهرچندوقت بعدموردادیت ، آزاروکنشته وبسته شدن دستجمعی ، قرارمیگیرندوحقوق وکرامت شان توسط اوباش واراذل بسیجی ،حزب الهی ومامورین امنیتی جمهوری اسلامی ایران پایمال میگردوبه صورت خیلی ظالمانه به نامهای مختلف ازجمله " غیرمجاز " ازکشور ایران به آن سوی مرزرانده شده وزیرحاکمیت جنایتکاران وطنی واشغالگران برهبری امریکافرامیگیرند، درحالی که ازغمخواری وحالت زارشان اثری رانمی توانند ملاحظه کنندواز کارومسکن واحتیاجات اولیه ، محروم می مانند وبامصیبت جنگ ، بمباران وکنشتارهای دستجمعی که انتظارآن رازقوای اشغالگرومهاجم هرلحظه میکشند، روبرومی شوند.

باید از خود پرسید که این مهاجرت ها دوام بدبختی و فقر و مصیبت تا کی؟
و چطور میتوان بر این پدیده ی شوم، غلبه نمود؟

بر همه آشکاراست که موجودیت دولت های غیرمردمی واعمال سیاست های غیربشری خلق- پرچم، جهادی وطالبی وامروزقوای اشغالگرو موجودیت یک دولت مزدور، سرچشمه این پدیده ی شوم ، زیرنام مهاجر، پناهنده یاجلای وطن بوده ومیباشد.

مامیدانیم که درداخل افغانستان هرروزبه صدهاوهزارهاتفربه اثرفقروبیکاری ازجای خودبیجایمیشوندوحملات هوایی قوای اشغالگریه رهبری امریکاو جنگ های کوروقتل عام مردم بیگناه وباخاک یکسان نمودن دهات ومحلات مسکونی ، شماربیشتری ازحزمتکشسان کشوررا به خیل آوارگان و بیجاشده گان درداخل کشوری افزاید که به هرطرف سرگران ودریدرمیگردند.

ماافغان ها که به حیث یک ملت سرفراز ،

بیزارازظلم واشغال وتجاوز ، پوزه ی کثیف زورگویان ، جنایتکاران ومهاجمین رابه زمین مالیده وحق شان راروی کف دست شان گذاشته ایم وبافتخارزیسته ایم وقتی میتوانیم که براین ناملایمات چه پدیده ی آوارگی ، مصیبت جنگ واشغال وتجاوز، چیره گردیم که باعاملین و مسببین آن که هماناموجودیت دولت فاسد، ضد مردمی وگوش به فرمان قوای خارجی میباشد، به اعتراض ومقابله برخیزیم وطرف مردم زحمتکش ، آواره وکتله ی وسیع مهاجررا بگیریم وازاتحاد، یگانگی وهمرنگی نفع برده برسینه ی جنایتکاران وم متحدین اشغالگردست رد زنیم واضافه ازاین بر آنها اعتمادنمائیم .

پدیده ونام مهاجربرای هرهموطن چه دراروپاویا امریکایا پاکستان وایران زندگی میکنندخیلی آشناوازعمق آن درد ورنج تداعی میگردوبه سویه های مختلف چه درهرکشوری باشیم ، درد ورنج آن برای ماحسوس است وازراندن وکشیدن های اجباری باخبرهستیم ؛ ولی تاکی بایداین حالت دوام کند ؟

باید وطن دوست داشتنی وزیبای خودرا که ازهمه نعمات پرومعموراست وبرای هر نوع کاروتلاش ماآماده ومساعدمیباشد وامروزبه دست دشمنان مافتاده ، ازخودساخته ودست جنایتکاران وطنی وباداران خارجی شان راکوتاه سازیم .

ما درحالی که ساخت وباخت دولت جمهوری اسلامی ایران رابادولت مزدورکزی وکمیساری عالی پناهندگان ملل متحددرباره ی اخراج مهاجران افغانی ازایران (آنهم به طورغیرانسانی فاجعه باروظالمانه) ، محکوم میکنیم ونفرت وانزجارخویش رانسبت به آن اظهارمیداریم ، یادآورمیشویم که جمهوری اسلامی ایران دوام همچوسیاست های غیرانسانی که مغایرنورم های قبول شده ی پناهندگی میباشدرامتوقف ساخته وبه کثافت کاری های خویش ، خاتمه دهد.

مرگ بردولت جمهوری اسلامی ایران!
به سیاست های غیرانسانی وفا شیبستی
جمهوری اسلامی ایران در برابر مهاجران افغان
، نفرین میگوئیم!
زننده باد اتحاد و همبستگی زحمتکشسان افغانستان و ایران!

سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی - آلمان

۵ جون ۲۰۰۷

بقیه از صفحه: ۵

مصاحبه با

یکی از مسئولین «سازمان...»

کرده و برای دولت و اشغالگران وقت کمائی شود، باید دست غیب از جانی در کار باشد که مصارف جلسات، سفرها و شب نشینینها را بر ذمه بگیرد که آنها بهتر بتوانند کاری را از پیش ببرند. البته یاد آور باید شد که این چوب اتهام بر سر هر کس حواله نشود و دور از انصاف است، ولی تجارب بما آموخته است که همچو کیسه های خلیفه و دست های غیر مرئی، همیشه در کار بوده اند. وزارت دفاع امریکا در سال گذشته مبلغ کلانی در حدود بیست میلیون دالر بودجه را برای تبلیغات در بین افغانها که به نفع سیاست امریکا باشد، وضع نمود. این کار را در بین نیرو های فعال ولی فروخته شده کشور های دیگر هم میکنند. من بیاد دارم که از نیمه اول سالهای ۹۰ همین نیرو ها در آلمان و هالند کنفرانس ها و سمینار های پر مصرفی را، دائر کردند و همین نیرو هابه رهبری شورای دموکراسی و تسلیم طلبان سامائی بین شان لول میخوردند. وقتیکه اشغال تکمیل شد و فاجعه تا امروز دوام یافت، باز همان مار ها از آستین ها، برآمده اند.

و انگیزه دیگر که آنرا باید جدی گرفت درارتباط با اوضاع ایران است. امریکا می خواهد که افغانها با طرحهای مشابه وسیاست های همگون و بی ضرر برای شان به زیر یک سقف بروند، نه اینکه از هم جدا باشند و هم اینها وزنه باشند سنگینتر در مقابل مخالفین چه به سویه بالقوه یا بالفعل اشغال و تجاوز. یکی از وظایف شان ممکن است این باشد که جور آمدن طالبان با دولت مزدور از این مجری هابه سمع افغانها رسانده شود و به حیث یک ضرورت معرفی شود تا امریکائی ها بتوانند در بر خورد با ایران از آنها بطور مؤثر تری کار بگیرند.

س: موقف سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی در قبال این جریانها، چه است؟

ج: سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی قبل از حمله امریکا و اشغال افغانستان میخواست با بر پا نمودن یک مظاهره در یکی از شهر های آلمان بر ضد سیاست های امریکا زیر نام «مبارزه علیه تروریسم»، مؤقف خود را به نمایش بگذارد، ولی مقامات مسئول آن شهر به این بهانه که مردم از بابت واقعات نیویارک عصبانی اند و ما شما را حفاظت کرده نمی توانیم، اجازه مظاهره را ندادند. ..

بقیه در صفحه: ۱۰

افغانی مهاجرین

د ایران اسلامی جمهوري د انسان ضد او جنایت کارانه

سیاستو قرباني دي

د ۲۹ کالو راهیسی افغانان مجبوره سوي دي چه خپل پلرني وطن پریردي اوپناهده سي. چي دیرشمیرد دي پناهنده گانوڅخه په ایران او پاکستان کي ژوندکوي. په دي دواړه هیوادونو کي پناهنده گان د ډیرو سختو شرائطو لاندې چه ورباندې تحمیل سوي دي په ډیرو کراونوسره جنگیدلي او په هره ارزانه سویه چه د دوي د کارڅخه کارفرمایان گنه پورته کوي، بیاهم حاضر سوي دي دخان اوکورني دبقاء لپاره نفقه اوسرپناه برابرکړي او د یوه پردي او دوهم درجه انسان په حیث د رازراز فشارونو سره مقاومت کوي په زړه ورتیا سره خپل د بازو او مت په زورخپل ژوند تآمینوي.

افغانی مهاجرین د ایران اسلامی جمهوري د انسان ضد او جنایت کارانه سیاستو قرباني دي او په وقفو سره تر آزارلاندې راځي و هل او رتل کيږي او په دلته ایزدول سره بندیان او وژل کيږي او د اسلامی جمهوریت د حزب الهی او بسیجی ارزلو او اوباشو له خوا نی حقوق او انسانی کرامت ترپسو لاندې کيږي اوپه ډیرظالمانه دول سره د ایران د خاوري څخه افغانستان ته شړل کيږي په خپل وطن کي هم د جنایت کاروتر حاکمیت لاندې چه د امریکا په رهبري د اشغالگرانو له خوا حمایه کيږي د دوي و خاوري ورحي ته څوک توجه نه کوي د کار، کور او نورو اولیه احتیاجاتو د برابرولو څخه محرومه پاته کيږي او د جگړي د مصیبت د اشغالگرانو له خوا هوائی بمباریو او دلته ایزو وژنو انتظارباسي.

باید له حانه څخه پوښتنه وکړو چه د دي پناهنده گیسو او مهاجریتونو او د خاوري او نیستی دوام به تر کله پوري وي ؟
او حنگه کولي سوپردي ناوړه حالت باندي غلبه وکړو ؟

تولو ته سکاره ده چه د ملي او اولسي دولتونو نشتوالي او د "خلق" او پرچم جهادي او طالبی دولتونو د بشري ضد سیاستونو چلند او نن د هیواداشغال او د یوه مزدور دولت موجودیت د پناهنده او مهاجر د شوم حالت او مفهوم سبب گرځیدلي دي. مور یوهیرو چه په هیواد کي دننه هره ورح په سلهاو او زرهاو کسان د خاوري او بیکاری په اثردخپلو حیونو حخه بی حایه کيږي او د امریکا په مشرتوب د اشغالگرانو دهواهي بمباریو او قتل عامونوپه کولو سره بی گناه خلک چه کورونه او کلي نی د خاوروسره برابرکيږي ، هري خواته سرگردانه لالهانده کيږي او د وطن

خوارخلک په هیواد کي دننه په مهاجر او آواره سره بدلیږي .

مور افغانانو تل په ویاړ او هسکه شمله د یوه ملت په حیث د ظلم ، تجاوز او اشغال څخه په بیزارې سره ، ژوند کړي دي او ډیرغلگرو او جنایت کارواو ظالمانو خوله مو ورماته کړي او د ملک څخه موشرلي دي . هلته به پردي ناخالو باندي چه پناهنده گي ، مهاجرت د جگړي مصیبت ، اشغال او تجاوز او د ظالمانو عملونه ، ورته ویل کيږي ، غلبه وکړو چه د پرديو اشغالگرو په فرمان فاسد او خائن دولتونه چه د خلکو او خوارو اولسونو د آرماتونو سره بیگانه دي ، سره مقابله وکړو او د خوارو اولسو ، آواره او پناهنده پراخ کنکلي سره یووالي او همرنگي ولرو او نور نو پرجنایت کارواو ظالم دولت باورونکرو .

هروطنوال په هرځاي کي چه پناهنده دي د پناهنده د نوم او مفهوم سره آشنا دي او د ژوره توگه ددي کلمي په یادولو سره درد او غصه ورته سترگوته دریري او د اجباري شړلو او استولو سره مستقیم یاغیرمستقیم پوه دي . **ترکله پوري ؟**

باید خپل گران وطن چه ډیر بنایسته او په هرچه معصوردې او زموږ د کسار او تلاس د پاره مساعد او آماده دي او نن د پرديو په منگولو کي ایسار دي او په خرابه اوکنډواله نی اړولي دي ، تر لاسه کړو او خورمنو او با درده افغانانو او اصلي مالکانو د پاره نی آباد او سمسورکړو .

مور په ایران کي د افغانی پناهنده گانو او آواره گانو په اړه د ایران د جمهوري اسلامی ، د کرزي د مزدور دولت او د ملل متحد د پناهنده گانو د عالی کمیشنري بی توجهي او ظالمانه رویه په کلکه غند و او د ایران د دولت د انسانی ضد ظالمانه او فاشیستی رویي ته په کرکه گورو. یاد آوري کوو چه د ایران اسلامی دولت باید دغه غیر انسانی روش ته خاتمه ورکړي او د قبول سوي بین المللی نورمونو رعایت وکړي او خپل فاشیستی او بوین کثافت کاریو ته خاتمه ورکړي .

مړه دي وي دایران جمهوري دولت !

د ایران اسلامی جمهوریت فاشیستی چال چلند د افغانی پناهنده گانو سره په کلکه غندو!
ژوندي دي وي د افغانی او ایرانی زحمتکشانو ورورولي !

د آواره گان ملي دمکراتیک سازمان
دجون ۵ کال ۲۰۰۷

بقیه از صفحه: ۹

مصاحبه با

یکی از مسئولین «سازمان...»

سازمان در برابر کنفرانس بن از خود موضع درست و اصولی داشت و اعضای سازمان در آزمون با شرکت فعال خود در مقر جلسه، مخالفت خود را اعلان نمود و به تعقیب آن تا امروز، مؤقف یکسان و خلل ناپذیری را دنبال می کند، مبنی بر اینکه کشور ما زیر اشغال است، دولت افغانستان یک دولت مزدور و بی اختیار است و منطقاً باید مجموعه‌ه از نیرو های سر سپرده به امپریالیست ها و ضد مردمی باشد و تنها راه راندن رهنمان اشغالگر و دولت مزدور مبارزه مسلحانه مردم افغانستان که دارای خصلت ملی و انقلابی باشد است. اشغالگران برهبری امریکا و مرتجعین برای مردم افغانستان راه دیگری را بحيث بدیل کار آمد و قابل باور نگذاشته اند و مردم را نمی شود به نام چپ و ملی و دمکراتیک فریفت. این ممکن نیست که نیرویی هم ملی باشد و هم طرفدار اشغال، هم چپ باشد و هم طرفدار دولت کرزی، هم دمکرات باشد و هم با بدترین و سیاهترین نیروی فاشیست جهانی همکار و عساکر آنرا بی خطر شمرد.

موضع ما از اول برای همه بدون اگر و مگر صاف و ستره ، واضع و آشکار است. پشت احزاب اسلامی و شورای نظار نرفتیم، به خاد و دولت «خلقی»- پرچمی تسلیم نشدیم، در کودتا ها اشتراک نوزدیدم و به امپریالیست ها و اشغالگران چشم ندوخته ایم. این همه را نکرده ایم، ولی در سنگر دفاع از منافع مردم ایستاده ایم، سیاه را سیاه و سفید را سفید می گوئیم. اینست موضع سازمان ملی دمکراتیک آوارگان افغانی در قبال تحرک های سیاسی نیرو های وارد صحنه جامعه افغانستان.

از اینکه دقایقی از وقت تان را به جواب به سؤالات من اختصاص دادید از شما سپاسگزارم. در این نشست مسائل زیادی به بحث گرفته شده و توضیحات مفید و قناعت بخشی را ارائه نمودید؛ ولی بسا موضوعات قابل دقت به بحث گرفته نشد. امید است در آینده نزدیک چنین فرصتی مساعد گردد تا شنونده صحت های مفید و ارزنده شما باشم.

ن. «رزم» گزارشگر «سازمان...»

اکتوبر ۲۰۰۷

مرحله دوم در داخل افغانستان درحالی بر گذار میشود که کشور عزیز ما در زیر زنجیر تانک های اشغالگران امپریالیست و چکمه های سربازان آنها در حال لگدمال شدن و به انقیاد کشیده شدن است و مردم فقیر آن با طناب اقتصادی «بازار آزاد» حلق آویز

بقیه از صفحه: اول

اعلامیه مشترک...

نشست وزیران خارجه ایکو را تقبیح کنیم

و مقاومت ملی - مردمی و انقلابی را تشدید نماییم

گردیده اند. اما از آنجایی که روحیه استقلال طلبی و وطن پرستی تا هنوز در خون و شریان مردم ما در جریان است، طماعان جهان خوار و اشغالگران خون آشام امپریالیست به این وضعیت رقت بار آنها بسنده نکرده و هر روز برای رسیدن به اهداف شوم امپریالیستی خود نشست ها و طرح های تازه دیگری را روی دست گرفته و بر سر مردمان به انقیاد کشیده ما تطبیق میکنند.

«سازمان همکاری های اقتصادی - ایکو» همه ساله در سطح آسیای میانه نشست های اقتصادی بر محور پالیسی های شوم سرمایه داری و طرح بهتر استثمار طبقاتی هر چه بیشتر مردمان ستم دیده به نفع طبقات حاکم فئودال کمپرادور و بورژوا کمپرادور دایر میکنند. این سازمان در سال ۱۹۸۵ میلادی، توسط سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان با سرمایه گذاری بالغ بر ۶۶ میلیون دالر ایجاد شد و متعاقباً پس از فروپاشی سوسیال امپریالیسم شوروی، در سال ۱۹۹۲ افغانستان و شش کشور از جمهوری های اسبق «شوروی» به این سازمان پیوستند. به عضویت درآمدن این کشورها در «سازمان همکاری های اقتصادی - ایکو» توانست نفوس بیشتری را تحت پوشش این سازمان قرار داده و نیروی ارزان کار و منابع سرشار طبیعی بیشتری را در اختیار این سازمان قرار دهد. بر اساس احصائیه های رسمی و گزارش تلویزیون دولتی هرات نفوس تحت پوشش این سازمان در سال ۲۰۰۷ به ۴۰۰ میلیون نفر میرسد و بنابر گزارش دیگری از تلویزیون دولتی هرات سرمایه ابتدایی این سازمان سیر صعودی خود را پشت سر گذارده و سرمایه فعلی اش به ۷۷۵ میلیارد دالر آمریکایی رسیده است. بعد از فروپاشی حاکمیت ارتجاعی طالبان و اشغال نظامی کشور توسط اربابان امپریالیستی امریکایی، این دومین نشست منطوقی در داخل خاک افغانستان است که از طرف رژیم پوشالی لیبیک گفته میشود.

نشست وزیران خارجه ایکو در حالی برگزار میشود که مواد ارتزاقی با قیمت فاحشی رو به افزایش است ولی سطح زندگی زحمتکشان پیوسته در حال سقوط میباشد. نیروی کار وسیعاً آواره و بی اشتغال گردیده و اگر اشتغالی هم وجود داشته باشد، مزد پرداختی نصف مزد دو سال قبل است در حالیکه سطح تورم اقتصادی نسبت به آن زمان شصت فیصد بالاتر رفته است. کارگران آواره و بی اشتغال اگر موفق شوند به بیرون از مرزها بروند میتوانند امیدوار باشند که کاری خواهند یافت، اما سطح درآمد آنها خصوصاً

در ایران بعد از اخراج اجباری مهاجرین افغانی از آن مرز شدیداً سقوط کرده است. خانه خرابی دهقانان هر روز بیشتر از پیش عمق و گسترش مییابد و دهقانان متوسط و فقیر به انحطاط و نابودی سوق داده میشوند. دهقانان پیوسته در زیر بمباران ها، راکت ها و توپ پرانی های اشغالگران و دستنشانندگان شان قرار داشته و دارند. به قتل میرسند، دار و ندارشان را از دست میدهند و به آواره گی و بی سرنوشتی کشانده میشوند و در جاهایی که بمب و راکت اشغالگران و نیروهای رژیم پوشالی نمی غرند، چنگ و دندان جنگ سالاران جهادی و غیرجهادی و وابسته به رژیم پوشالی که دیگر وسیعاً موقعیت های فئودالی یافته اند، دست در دست صاحب منصبان و مامورین فاسد دولتی گوشت و استخوان آنها را میچوند و شیره جان شان را میمکند. در مقایسه به چنین وضعیتی تامین حاکمیت فئودالی و ارتجاعی طالبان بر منطقه که کم از کم کشت بی درد و سر کوکتار و تولید تریاک را به همراه دارد، فرصت یک «دم دراز کردن» ولو موقتی را به دهقانان میدهد. اما تحت حاکمیت طالبان نیز، گرچه از چور و چپاول بی حساب و کتاب جنگ سالاران حکومتی خبری نیست و صاحبمنصبان و مامورین رشوتخور دولتی دیده نمیشوند، ولی حاکمیت فئودالی خشن طالبان نیز چیزی نیست که منافع اساسی دهقانان را تامین نماید، زیرا حاکمیت طالبان «عشر شرعی» تریاک و سایر «وجوهات شرعی» را بدون کم و کاست از تمامی اهالی محل، منجمله دهقانان، میگیرند و تامین مصارف لوجیستیکی خود را بر آنها تحمیل میکنند.

زنان از یکطرف با ستم شوونیستی مرد سالار سنتی و از جانب دیگر با حیلہ گریهای امپریالیست های اشغالگر و رژیم دست نشانده مواجه اند. این ستم شوونیستی نیز شامل حال زنان این رژیم نیز میباشد و در پهلوی آنها با خطر فزاینده شوونیسم غلیظ کور طالبی روبرو هستند. در گیسو دار این حالت پریشان کننده است که وسیعاً تحت ستم قرار میگیرند، بی حقوقی وسیعاً بر آنها اعمال میگردد و بطور وسیعاً قربانی خشونت های خانوادگی و غیر خانوادگی گردیده و تحت نام قتل های ناموسی رویشان پرده کشیده میشود.

افشار وسیع خرده بورژوازی هر روز بیشتر از پیش به فقر و فلاکت میافزند. پیشه وران تقریباً در مجموع در تقابل با کالای وارداتی خارجی شغل شان را از دست داده اند و پیشه وری در حال

نابودی است. قشر وسیع مامورین پائین رتبه دولتی، به شمول معلمین مکاتب، به گفته یک معلم پردرد، آنچنان حالت زاری دارند که به گدا ها می مانند. سائر افشار خرده بورژوازی نیز پیوسته به اعماق جامعه رانده میشوند و تجارت

کوچک در مسیر قهقرائی افتاده است. این چنین وضعیتی در حالی عمق و گسترش مییابد که ظرفیت اشتغال روز بروز کمتر میگردد. به عبارت دیگر این سقوط به پائین نه به گسترش صفوف طبقه کارگر بلکه به گسترش صفوف بیکاران منتهی میگردد. همین قشر رو به افزایش بیکاران است که نیروی مهم شورشگر علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده را تشکیل میدهند و آنچنان عاصی اند که در شرایط نبود حضور فعال نیروی ملی - مردمی و انقلابی در صحنه مقاومت علیه اشغالگران و پوشالی های وطنی، حتی وسیعاً به سوی یک نیروی ارتجاعی امتحان داده مثل طالبان کشانده میشوند. قدر مسلم است که امپریالیست های اشغالگر و رژیم پوشالی حاکم بنا به ماهیت استثمارگرانه و ارتجاعی نظام شان نمی توانند این همه معضلات را در جهت تامین منافع زحمتکشان و توده های مردم حل و فصل نمایند. این است که راهی ندارند جز اینکه محور سرکوب قهری تجاوز کارانه و اشغالگرانه را کماکان ادامه دهند و هر روز بیشتر از پیش تشدید نمایند.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان مشترکاً این عمل خائنه نشست وزیران خارجه عضو ایکو و سران رژیم پوشالی را تقبیح و تحریم نموده و از تمامی مردمان استقلال طلب این خطه میخواهد تا به جنبش انقلابی جوانان افغانستان بیوندند و این عمل خائنه را با به پای منسوبین جنبش تقبیح نموده و خود را برای مقاومت هر چه بیشتر با پوشالی های وطنی آماده تر کنند.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان بر علاوه تقبیح این نشست سراسری سازمان ایکو اعلام میدارد که با عزم راسخ در حال تشکیل یک جنبش مقاومت ملی - مردمی و انقلابی قدرتمند علیه متجاوزین و اشغالگران و رژیم دست نشانده میباشد. اگر چه اشغال و تجاوزگری امپریالیسم امریکا، امروز شامل افغانستان و عراق است ولی باید دانست که امپریالیستهای متجاوز برای بدست گیری قدرت سیاسی و تسلط بر شرق میانه، آسیای میانه و آسیای جنوبی نقشه میکشند. امپریالیسم لجام گسیخته امریکا در حالیکه ۳۸ میلیون گرسنه و بیکار در درون کشور امپریالیستی خود پرورش میدهد باز هم بدنبال گسترش نیروی... بقیه در صفحه: ۱۲

سرمقاله...

تاریخ و ټاکي او مشرف باید د نظامي وظيفي څخه لاس واخلي. دا ټوله حالات که څوک تر نظر لاندې ونيسي نو پوهيري چه دلته بيا هم يوه توطئه د تکوين په حالت کي ده. يعني پرويز مشرف او ميرمن بوټو د خلکو د دي نا آرامه وضعي څخه په استفا دي سره دولت جوړوي او دا دولت به د اسلامي حزبونو سره په روغه کي اول د پاکستان ثبات تا مينوي او بيا به اسلامي احزاب د طالبانو د حمايي لپاره افغانستان ته متوجه کوي.

د افغانستان او پاکستان ثبات په منطقه کي د امريکي د پراختيا غوښتنې سياست د مخ نه بيوولو لپاره خصوصا که وغواړي چه ايران تر حملي لاندې راولي ډير حياتي او د اهميت وړ دي. امريکه او برتانيه ودغه شوم هدف ته د رسيدو د پاره پاکستان ته متوجه دي او ځان د پاکستاني دمکراسي طرفدار معرفي کوي، يعني د پاکستان د حاکمه طبقې دولت چه د خوارو خلکو د گټو په خلاف د افغانستان، ايران او پاکستان د خلکو ملي گټي د امريکايي امپرياليسټانو د پاره قرباني به کړي. د پاکستان خلک بايد د امريکي تر مشري لاندې د امپرياليزم د دي ناوره سياست پر ضد مقاومت يو ځاي کړي او د پاکستاني دولت پر ضد مبارزي کړه. n

خلکو ضد سياست ددي باعث سویدی چه خلک تل د مبارزي په ليکه کی ودر پیری او خپل سياسي اقتدار قائم کړی خو متأسفانه چه د پاکستان خوار او مظلوم خلک د لویو زمیندارو او تاجرانو د حزبونو او سياست والو د رهبري په کړی کی اسپر دی او ځان ته د خپلی طبقی د گټو پر اساس د تشکیل او سياست څخه محرومه دی.

بی نظیر بوټو، نواز شریف، د اسلامي حزبونو رهبران او د پښتنو او بلوڅو د خانانو ډلی او گوندونه خوار اولسونه د امپرياليسټی هیوادونو سره د خپلو گټو پر بنا د معاملی قربانی کړیدی او دا سلسله دوام لری د جنرال مشرف له خوا د اضطراري حالت د اعلان پلمه دا ده چه گواکي د هیواد امنیت په خطر کي دي او اسلامي افراطي فعالیتونه تر حد زیات پاکستان تهدید وي کوم شي چه د توجه وړ دي هغه دا دي چه دولت د اسلامي احزابو سره تر اوسه پوري په روغه کي دي او یواخي د سنډري د محکمي قاضیان او حقوقدانان هغه هم د بي نظیر بوټو د خلکو د گوند په رهبري کي د خلکو اعتراض تر کنترول لاندې ساتل کيږي. امريکه او برتانيه چه ځان د دمکراسي او اولسواکي قهرمانان بولي پر پرويز مشرف انتقادونه کوي چه بیرني حالت ختم او انتخاباتو ته

بقیه از صفحه: ۱۱

اعلامیه مشترک...

نظامی و کنترول تمام جهان است. جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان از تمامی مردمان این خطه میخوهد که بصورت همگانی این نشست سراسری وزیران خارجه ایکو را تقبیح نمایند و خود را برای مقاومت ملی مردمی و انقلابی آماده ساخته و این مقاومت را هر چه روز افزون تشدید نمایند.

به پیش درراه برپانی مقاومت ملی مردمی و انقلابی مرگ بر امپریالیست های اشغالگر
مرگ بر خائنین ملی و رژیم دست نشاندۀ
زنده باد استقلال - زنده باد آزادی

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

و

دسته هشت مارچ زنان افغانستان
۲۵ میزان ۱۳۸۶ (۱۷ اکتبر ۲۰۰۷)

زندان پلچرخي...

آزادیخواهی آنها را خفه سازد و جلو مقاومت و مبارزه مردم ستمکش این کشور را بگیرد. این اعمال جنایتکارانه این رژیم منحنط تاکنون ادامه دارد. با بر پائی جنگ مقاومت انقلابی خلق آنکشور در آینده نزدیک، رژیم قرون وسطائی آخندی سر نگون و به زباله دان تاریخ سپرده خواهد شد.

در افغانستان: تجاوز و تهاجم نظامی، مسئله نیست!، اشغال کشور، مسئله نیست!، حاکمیت جنایتکارا ز مزدور، مسئله نیست!، کشتار، شکنجه و تجاوز جنسی خارج از زندان مسئله نیست!، تنها این موضوع «داغ» میشود و مسئله مهمی میگردد در حالیکه این عمل شنیع ذره از جنایات هولناکی است که هر روزه توسط قوا یا اشغالگر و همدستان جانی آنها نسبت به خلق افغانستان اعمال میگردد.

ضمن اینکه این اعمال ضد بشری خادیستهای رژیم مزدور را محکوم می نمائیم، قوای اشغالگر را عامل اصلی تمام جنایات و عملکرد های شنیع دانسته و خواستار خارج شدن بدون قید و شرط آنها از افغانستان میباشیم.

تنها با اخراج قوای اشغالگر و برکناری دولت مزدور بدست خلق افغانستان است که اینگونه اعمال دیگر ادامه نخواهد یافت؛ زیرا زالو ها با کالبد گندیده خواهند رفت. ■

خوانندگان گرامی: آدرس سازمان فعلا فعال نیست تا فعال شدن آن شما میتوانید با ایمل سازمان تماس خود را حفظ نمایید:

Awaragan2006@yahoo.com

و نشریه "خپلواکی" را از سایت پیک ایران

www.peykeiran.com

و وبلاک خپلواکی

www.akhpowlwaki.blogfa.com

بدست آورده مطالعه و تکثیر نمایند

آدرس بانکی: Awaragn ev

H:k Girokonto Nr.96136080

BLZ 701 500000 Stadsparkasse -

München

قیمت یک شماره: یک یورو

برای افغانستان آزاد ودموکراتیک مبارزه نمائیم!